



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



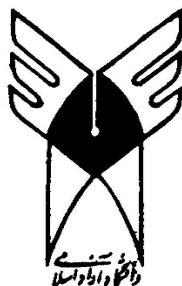
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایدی از خزانده جهان و اعتماد این که عالم محضر خدایت دایره بانگر بر احوال انسان در مظهر پاس داشت تمام بند و آتش و پرورش و نظریه و اجیت
جایگاه دانشگاه استغای فرهنگ و تمدن، شرکت نادانشیمان و احسان بریت علمی و اندامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می گردیم اصول زیر را در انجام
غایت های پژوهشی در نظر قرار داده و از آن عملی نگین:

- ۱- اصل بریت: التزام بر بریت جلی از حرکت و رفتار غیر حرزهای و احکام موضع نیست بر کسی که حوزه علم و پرورش دارد بر طبقه های غیر علمی می آید.
- ۲- اصل رعایت انصاف و انست: تمهید بر استنباط از حرکت جانب داری غیر علمی و محافظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید بر روح دانش و انست نتایج تحقیقات و انتقال آن به بندگان علمی و دانشیمان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید بر رعایت حریم باز حرمت و ادب انجام تحقیقات در رعایت جانب تمهید خود داری از حرکت حرمت نگین.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام بر رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات بر سایر مامان حق).
- ۶- اصل رازداری: تمهید بر رعایت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد نادلان آذکسور و کلیه افراد و نهادی مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در رسانای جلی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل پاکت سازی و ممنوی: تمهید بر رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه بندگان پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تمهید بر رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن منبهره و توسعه کشور و کلیه مراکز پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه الهیات

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان :

بررسی فقهی و حقوقی ارزش مالی زمان در عقود

استاد راهنما :

دکتر سید علی پورمنوچهری

استاد مشاور :

دکتر علی بهرامی نژاد مقوییه

پژوهشگر :

مریم غلامی ورنامخواستی

زمستان ۱۳۹۱

تقدیم به پدر و مادر م :

که اسوه صبر، صداقت و شکیبایی‌اند و وجودشان سرچشمه مهر و محبت و ایثار.

سپاس‌گزاری

پس از ثنای پروردگار، به خود واجب می‌دانم از الطاف تمام کسانی که مشوق و پشتیبانم در تمامی مراحل تحصیل بوده‌اند، قدردانی نموده و یاد و نام جمیع معلمین و اساتیدم از بدایت تحصیل تاکنون را گرامی و نکو دارم.

همچنین از زحمات بی‌شائبه اساتید ارجمند جناب آقای دکتر سید علی پورمنوچهری (استاد راهنما)، جناب آقای دکتر علی بهرامی‌نژاد (استاد مشاور) و جناب آقای احمدرضا خزائی (مدیرگروه) که در به ثمر رسیدن این رساله از ارشاد و مشورت ایشان بهره‌ها بردم، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

- اینجانب **مریم غلامی ورنامخواستی** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۹۱۲۵۲۸۷۰۰ در رشته الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ از پایان نامه خود تحت عنوان: **بررسی فقهی و حقوقی ارزش مالی زمان در عقود با کسب نمره ۱۷/۵۰ و درجه بسیار خوب** دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:
- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
 - این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
 - چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
 - چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

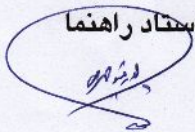
بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم مریم غلامی و نامخواستی از

پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۷٫۵ بحروف **خوبه** و نیمی به **بسیار**
و با درجه **بسیار** مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

فصل نخست : کلیات

۲	مقدمه
۴	بخش اول - طرح مسأله
۴	۱-۱ طرح مسأله
۶	۲-۱ هدف‌های تحقیق
۶	۳-۱ اهمیت تحقیق و انگیزه انتخاب آن
۸	۴-۱ سؤالات و فرضیه های تحقیق
۹	۵-۱ روش تحقیق
۹	۶-۱ ابعاد کاربردی نظری و عملی
۱۰	۷-۱ پیشینه تحقیق
۱۱	۸-۱ محدودیت‌های تحقیق
۱۱	۹-۱ تاریخچه تحقیق
۱۲	۱۰-۱ جایگاه بحث
۱۳	بخش دوم : واژه شناسی
۱۳	۲-۱ واژه شناسی
۱۳	۱-۲-۱ مفهوم پول
۱۳	۱-۱-۲-۱ مفهوم لغوی پول
۱۳	۲-۱-۲-۱ مفهوم فقهی پول
۱۳	۳-۱-۲-۱ مفهوم پول در قرآن و روایات
۱۳	۲-۲-۱ مفهوم مالیت و ارزش ذاتی و اعتباری
۱۳	۱-۲-۲-۱ مالیت و ارزش ذاتی (حقیقی)
۱۴	۲-۲-۲-۱ مالیت و ارزش اعتباری
۱۴	۳-۲-۱ مفهوم ارزش اسمی و حقیقی پول اعتباری
۱۴	۱-۳-۲-۱ ارزش اسمی
۱۴	۲-۳-۲-۱ ارزش حقیقی
۱۵	۴-۲-۱ مفهوم ربا
۱۵	۱-۴-۲-۱ مفهوم لغوی ربا
۱۵	۲-۴-۲-۱ ربا در فقه سنتی
۱۹	۳-۴-۲-۱ ربا در فقه پویا

فصل دوم: ماهیت جبران کاهش ارزش پول

- ۲ - ماهیت جبران کاهش ارزش پول..... ۲۳
- ۱-۲- حرمت و بطلان جبران کاهش ارزش پول..... ۲۳
- ۱-۱-۲- پول در زمره اموال مثلی است..... ۲۳
- ۲-۱-۲- جبران کاهش ارزش پول، مصداق رباست..... ۲۴
- ۳-۱-۲- عدم وجوب جبران کاهش ارزش پول در سیره متشرعه..... ۲۵
- ۴-۱-۲- لزوم جبران کاهش ارزش پول، عامل جهالت..... ۲۶
- ۵-۱-۲- تبیین ماهیت ربا..... ۲۷
- ۲-۲- وجوب و لزوم جبران کاهش ارزش پول..... ۳۰
- ۱-۲-۲- تساوی عوضین در لزوم جبران کاهش ارزش پول..... ۳۰
- ۲-۲-۲- خاصیت پول، حفظ و بیان ارزش‌ها..... ۳۱
- ۳-۲-۲- مثلی بودن پول‌های اعتباری به حسب قدرت خرید..... ۳۲
- ۴-۲-۲- اقتضای قاعده عدل، لزوم جبران کاهش ارزش پول..... ۳۲
- ۵-۲-۲- پول‌های فعلی صرفاً قدرت خریدند..... ۳۳
- ۶-۲-۲- پول‌های فعلی، قیمی‌اند..... ۳۳
- ۳-۲- بررسی رابطه مثلی و قیمی بودن با جبران کاهش ارزش پول..... ۳۴
- ۱-۳-۲- ایضاح مفهومی «مثلی» و «قیمی»..... ۳۴
- ۱-۱-۳-۲- تقسیم کالاها به مثلی و قیمی..... ۳۴
- ۲-۲-۳-۲- تعریف مثلی و قیمی..... ۳۵
- ۳-۲-۳-۲- «مثلی» یا «قیمی» بودن پول اعتباری..... ۳۵
- ۱-۳-۲-۳-۲- مثلی به لحاظ ارزش اسمی..... ۳۶
- ۲-۳-۲-۳-۲- مثلی به لحاظ ارزش حقیقی..... ۳۸
- ۳-۳-۲-۳-۲- قیمی بودن پول اعتباری..... ۳۹
- ۴-۳-۲-۳-۲- هم‌مثلی و هم‌قیمی..... ۳۹
- ۵-۳-۲-۳-۲- نه مثلی و نه قیمی..... ۴۰
- ۳-۳-۲- نظریه مختار در مثلی و قیمی بودن پول اعتباری..... ۴۱
- ۱-۳-۳-۲- ماهیت مثلی و قیمی پول بر اساس نگاه تاریخی..... ۴۱
- ۲-۳-۳-۲- ماهیت مثلی و قیمی پول بر اساس تعریف مختار از مثلی..... ۴۲
- ۳-۳-۳-۲- ماهیت مثلی و قیمی پول بر اساس نگاه عقلی..... ۴۲
- ۴-۳-۲- حکم مسأله جبران کاهش ارزش پول بر اساس نظریه مختار..... ۴۳
- ۱-۴-۳-۲- عدم تفاوت بین درهم و دینار و پول رایج فعلی..... ۴۳
- ۲-۴-۳-۲- مقومات مثلی..... ۴۶
- ۳-۴-۳-۲- ملاک واکنش عرف..... ۵۱
- ۴-۲- بررسی نظر علما درباره کاهش ارزش پول..... ۵۲

۵۲	۱-۴-۲- نظریه عدم جبران کاهش ارزش پول، مطلقاً (مطابق فتوای مشهور).....
۵۲	۲-۴-۲- نظریه جواز و لزوم جبران کاهش ارزش پول (مطلقاً).....
۵۲	۳-۴-۲- نظریه تفصیل.....
۵۲	۴-۴-۲- نظریه مصالحه.....
۵۳	۵-۴-۲- بررسی عرفی کاهش ارزش پول.....
۵۳	۱-۵-۴-۲- مفهوم عرف.....
۵۳	۱-۱-۵-۴-۲- عرف در لغت.....
۵۴	۲-۱-۵-۴-۲- عرف در اصطلاح اصولیان.....
۵۴	۲-۵-۴-۲- اهمیت عرف.....
۵۵	۳-۵-۴-۲- قلمرو عرف در شرع.....
۵۶	۶-۴-۲- برخی از موارد کاربرد عرف در شرع.....
۵۶	۱-۶-۴-۲- تشخیص، تعریف و تنقیح موضوع حکم.....
۵۶	۲-۶-۴-۲- تشخیص مفاهیم و معانی الفاظ و کشف مقصود گوینده.....
۵۷	۳-۶-۴-۲- تعیین مصادیق و تطبیق موضوعات و مفاهیم بر مصادیق.....
۵۷	۴-۶-۴-۲- تنقیح ظهور دلیل و تفسیر نصوص و احکام.....
۵۷	۵-۶-۴-۲- راه‌های تشخیص رفتار عرف.....

فصل سوم نظریه جبران و کاربرد آن در حقوق موضوعه

۶۰	۳- نظریه جبران.....
۶۰	۱-۳- ایضاح مفهومی نظریه جبران.....
۶۲	۲-۳- رابطه رفتار عرف و نظریه جبران.....
۶۲	۱-۲-۳- ماهیت پول اعتباری از نظر عرف.....
۶۵	۲-۲-۳- حکم کلی عرف درباره جبران کاهش ارزش پول.....
۶۵	۱-۲-۲-۳- تفاوت واکنش عرف در نرخ‌های مختلف تورم.....
۶۶	۲-۲-۲-۳- ایضاح مفهومی واکنش و عدم واکنش عرف.....
۶۸	۳-۲-۳- حکم تفصیلی عرف، در سه حالت مختلف تورم.....
۶۸	۱-۳-۲-۳- واکنش عرف نسبت به کاهش ارزش پول.....
۶۹	۲-۳-۲-۳- عدم واکنش عرف.....
۷۰	۳-۳-۲-۳- مشخص نبودن واکنش عرف یا عدم آن.....
۷۱	۳-۳- بررسی آثار نظریه جبران کاهش ارزش پول.....
۷۱	۱-۳-۳- جبران کاهش ارزش پول.....
۷۳	۲-۳-۳- دیدگاه فقهاء.....
۷۳	۱-۲-۳-۳- نظریه خرید اسمی.....

- ۳-۲-۲- نظریه مصالحه..... ۷۴
- ۳-۲-۳- نظریه‌های تفصیل..... ۷۴
- ۳-۲-۴- راه کارهای عملی..... ۷۴
- ۳-۲-۵- نظریه ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول..... ۷۵
- ۳-۴- نظریه نسبی..... ۷۶
- ۳-۴-۱- حالت تورم شدید..... ۷۶
- ۳-۴-۱-۱- مثلی بودن پول‌های اعتباری به حسب قدرت خرید حقیقی..... ۷۶
- ۳-۴-۱-۲- صدق ادای کامل دین با بازپرداخت قدرت خرید حقیقی..... ۸۰
- ۳-۴-۱-۳- لزوم رعایت قاعده عدل و قسط..... ۸۳
- ۳-۴-۲- تورم و کاهش خفیف ارزش پول..... ۸۵
- ۳-۴-۳- تورم و کاهش متوسط ارزش پول..... ۸۶
- ۳-۵- جایگاه نظریه جبران در قوانین و مجامع علمی..... ۸۷
- ۳-۶- قابلیت مطالبه میزان کاهش ارزش پول و خسارت تأخیر تأدیه..... ۸۸
- ۳-۶-۱- تبیین موضوع تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی..... ۹۰
- ۳-۶-۲- تبیین موضوع ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م..... ۹۵
- ۳-۶-۳- قابلیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه علاوه بر مطالبه میزان کاهش ارزش پول..... ۹۷
- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات..... ۹۸
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۰۱
- ضمیمه..... ۱۰۹

چکیده

در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال اساسی هستیم که آیا جبران کاهش ارزش پول در مبادلات مدت دار ربا به شمار می آید؟ از ویژگی های بارز اقتصاد قرن اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود نرخ تورم های دو رقمی در مقاطع زمانی بلند مدت است و این موجب پایین آمدن ارزش پول و پدیدار شدن مشکلات حقوقی و اقتصادی پیچیده ای در معاملات مدت دار و بدهی های معوقه می شود برای مقابله با پیامدهای نامطلوب آن براساس دلایل فقهی و اقتصادی (نظریه جبران کاهش ارزش پول) از طریق شاخص بندی بدهی ها در ایران مطرح و الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ ق.م اعطای سود بانکی با احتساب نرخ تورم کالاها و خدمات مصرفی به عنوان جبران کاهش ارزش پول قانونی شناخته شده است فرضیه ای که در این پایان نامه به اثبات رسیده عبارت است از اینکه اولاً آنچه را که عرف در پول اعتباری موجب رغبت و انگیزش افراد به آنها می بیند عبارت است از قدرت خرید و ارزش مبادله ای پول نه ارزش اسمی و در هنگام ادای دین نیز باید به همان توجه شود ثانیاً عرف نظریه لزوم جبران کاهش ارزش پول را به طور مطلق و در همه حالات تورم نمی پذیرد بلکه با مواجهه با نرخ های مختلف تورم رفتارهای متفاوت از خود نشان داده و احکام جداگانه ای صادر می کند.

واژگان کلیدی: ربا- کاهش قدرت خرید پول- لاضرر- قرض - معاملات مدت دار- ارزش

اسمی پول- ارزش مبادله ای پول

فصل نخست

کلیات

مقدمه

مباحث مطرح شده حول موضوع «کاهش ارزش پول اعتباری» حاکی از آن است که، از جمله مهم‌ترین و پردامنه‌ترین مباحث مربوط به آن، بحث مثلی و یا قیمی بودن پول اعتباری می‌باشد. محققان و صاحب‌نظران فقه، همواره بحث مثلی و قیمی بودن پول را مورد بررسی و ملاحظات علمی خود قرار داده و هر کدام از آنها برای اثبات یا نفی لزوم جبران کاهش ارزش پول، به نوعی به مثلی و یا قیمی بودن پول تمسک جسته‌اند.

این پرسش که در ادای دیون پولی، مثل آن باید ادا شود، یا قیمت آن؟ و نیز اینکه، برای محاسبه «مثل» پول مورد ضمان، باید ارزش اسمی اسکناس را مدنظر قرار داد، یا قدرت خرید واقعی و ارزش مبادله‌ای حقیقی آن را؟ همواره حائز اهمیت بوده و نظرات گوناگون با مبانی استدلالی متفاوت ارائه شده است.

«این بحث از اوایل قرن هیجدهم مرتب میان اقتصاددانان مورد گفت‌وگو بوده و از سوی آنها سفارش‌ها و پیشنهادهایی ارائه می‌شد؛ برای مثال در سال ۱۸۸۲ میلادی ژوزف لوی در پرداخت مزد و اجاره زمین و سندهای با مدت طولانی، پیشنهاد داد پرداخت‌ها با قدرت خرید هماهنگ باشد».

برخی از اقتصاددانان معاصر نیز همچون میلتون فریدمن این امر را لازم و ضروری می‌شمارند و برخی از آنان در طرفداری از این نظریه، ادله اقتصادی فراوانی ارائه داده‌اند.

این تأکیدها موجب شده تا شمار بسیاری از کشورها، جبران کاهش ارزش پول را در قراردادهای مدت‌دار به صورت ضابطه عمومی و قانونی درآورند؛ البته نتایج حاصل از اجرای این نظام، مورد قبول همه اقتصاددانان نیست.

این موضوع برای مسلمانان و کشورهای اسلامی، افزون بر آنکه پی‌آمدهای اقتصادی‌اش مورد توجه است، از نظر فقهی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. بر فرض هم که از جهت آثار مثبت و منفی اقتصادی، قابل صرف‌نظر باشد، از جنبه فقهی نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد. به این سبب، مسأله به وسیله فقیهان و اقتصاددانان مسلمان با جدیت دنبال شده و همایش‌ها و مباحثه‌های فراوانی در اطراف آن صورت گرفته است.

تغییر ارزش پول، از پدیده‌های اقتصاد پولی معاصر است. تحول پول از پول کالایی به پول فلزی چندین قرن به طول انجامید و از قرن هجدهم با پیدایش صرافی‌ها و سپس بانک‌ها، پول کاغذی نمایان شد. کاهش ارزش پول که در سیستم‌های پولی دو فلزی و یک فلزی وجود داشت، در نظام پولی اعتباری نیز ادامه یافت.

طی دهه اخیر به دلیل کاهش مستمر ارزش پول، «نظریه جبران کاهش ارزش پول» با براهین اقتصادی و فقهی در میان تعدادی از محققان و صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی مطرح و روش شاخص‌بندی نیز برای کاربرد این نظریه پیشنهاد شده است.

دلایل مطرح شده برای اثبات نظریه جبران با انتقادهای فقهی، اقتصادی و پولی مواجه است. بنابراین سؤال اصلی تحقیق این است که: «آیا کاهش ارزش پول در قرض، سپرده‌ای بانکی، مهریه و دستمزدها باید جبران شود؟ آیا شاخص‌بندی روش مناسبی برای جبران است؟»

بخش اول - طرح مسأله

۱-۱ طرح مسأله

۱-۱-۱ بیان مسأله

در نظریه جبران، ارزش پول و قدرت خرید آن، ضمن مترادف بودن، معادل مقدار کالایی است که در قبال یک واحد پول قابل دست‌یابی است. تغییر سطح عمومی قیمت‌ها از عوامل تغییر ارزش پول و قدرت خرید آن است. از دیدگاه نظریه‌پردازان، پول اعتباری با پول‌های فلزی صدر اسلام (دینار و درهم) کاملاً متفاوت است و کاهش ارزش آن باید جبران شود.

دلایل فقهی و اقتصادی ارائه شده برای جبران کاهش ارزش پول عبارتند از:

۱. عدم جبران، ظلم به بستان‌کار و خلاف عدل است.

۲. قاعده لاضرر حکم به جبران می‌کند.

۳. جبران کاهش ارزش پول، زیادتی نیست و لذا مشمول ربا نمی‌باشد.

۴. دیون بلند مدت مانند مهریه باید جبران شود.

۵. پول، مال قیمی است.

۶. قرض اسکناس، تملیک مقداری قدرت خرید است.

۷. در تورم شدید، جبران کاهش ارزش پول لازم است.

۸. ناشر پول اعتباری بدون پشتوانه واقعی، ضامن کاهش ارزش پول است.

۲. کاربرد نظریه جبران، کاهش ارزش پول از طریق شاخص‌بندی

برای جبران کاهش ارزش پول، روش شاخص‌بندی قرض، سپرده‌های بانکی، مهریه و دستمزدها

پیشنهاد شده است. طرفداران نظریه جبران در این زمینه معتقدند در صورت وجود تورم ناشی از

انتشار بی‌رویه پول باید کاهش ارزش پول مطابق نرخ تورم رسمی از سوی بانک مرکزی جبران شود.

این محاسبه باید پس از گذشت مدت صورت گیرد و در این مورد نرخ از پیش تعیین شده‌ای اعلام

نشود. در مقابل بانک حق دارد جبران این کاهش قدرت خرید پول را از مشتریان خود مطالبه کند، بدون اینکه بدن منظور نیز نرخ قطععی و از پیش تعیین شده قرار دهد و هرگاه قدرت خرید پول ثابت بود، چنین اضافه‌ای دریافت و پرداخت نگردد»

با توجه به اثرات تورمی افزایش نرخ سود بانکی نمی‌توان از برخی راه‌های ارائه شده برای جبران استفاده کرد. راه حل این است که چون بانک‌های تجاری هرکدام یک شرکت سرمایه‌گذاری تأسیس کرده‌اند که در ده‌ها شرکت تولیدی سهم عمده دارند، برای حفظ پس‌اندازها در برابر از دست دادن قدرت خرید از یک طرف و تشویق آنها به پس‌انداز کردن از طرف دیگر بانک‌ها می‌توانند به میزانی که سپرده‌های مدت‌دار بر اثر افزایش قیمت‌ها طی زمان قدرت خرید از دست می‌دهند، یعنی معادل زیان سپرده‌گذار، از سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری خود به قیمت جاری این سهام در بورس به طور رایگانه به سپرده‌گذار سهم واگذار کنند».

«طبق نظریه جبران کاهش ارزش پول در قرارداد نکاح، ذمه زوج به مبلغ معینی به عنوان مهریه در مقابل زوجه مشغول خواهد شد و در حقیقت بدهی زوج همان قدرت خرید موجود در آن مبلغ اسکناس خواهد بود، نه نفس اسکناس‌ها. از این رو زوجه مالک آن میزان توان خرید است».

بر این اساس مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۸-۱۳۷۶/۵ ماده واحده‌ای را به تصویب رساند که بر اساس آن چنانچه مهریه وجه رایج باشد طبق شاخص قیمت‌ها بازپرداخت می‌شود.

۲-۱- هدف‌های تحقیق

۱-۲-۱- هدف از انجام این تحقیق

۱-۱-۲-۱- بیان نواقص فقهی - حقوقی در موضوع کاهش ارزش پول در زمان.
۲-۱-۲-۱- تجزیه و تحلیل همه جانبه متون فقهی و حقوقی درباره موضوع ارزش مالی زمان در عقود.

۲-۱-۲-۱- تبیین نارسایی‌های فقهی و حقوقی درباره موضوع کاهش ارزش پول در زمان.
۲-۱-۲-۱- ارائه راه‌کارهای عملی در زمینه تصویب و اجرای قوانین و مقررات جامع درباره کاهش ارزش پول در زمان.

۳-۱- اهمیت تحقیق و انگیزه انتخاب آن

درباره مسأله جبران کاهش ارزش پول و تأثیر نگرش عرف در نحوه ادای دیون پولی مدت‌دار، اگر ادای دین را با پرداخت «ارزش اسمی» اسکناس قرض گرفته شده که مطابق با اعداد و ارقام حک شده روی پول می‌باشد، محقق بدانیم و اخذ بیشتر از آن را «ربا» به شمار آوریم، حکم مسأله با فرضی که ادای دین را بر اساس «قدرت خرید واقعی» پول قرض گرفته شده محاسبه نماییم، بسیار متفاوت خواهد بود که این امر بسیار حائز اهمیت و دارای نقش کلیدی و مؤثر در مبادلات اقتصادی افراد، بانک‌ها و دولت‌ها با همدیگر می‌باشد.

نظریه جبران کاهش ارزش پول از دیدگاه ماهیت پول، از نظر فقهی و از منظر اقتصادی مورد انتقاد است. پول، ارزش مبادله‌ای محض اشیا است که با توجه به مقبولیت عام، وظایفی همچون واسطه مبادله، معیار ارزش و ذخیره ارزش را انجام می‌دهد. تعریف یاد شده درباره پول بر تمامی انواع پول یعنی کالایی، فلزی و اعتباری صادق است. تنها تفاوت در آن است که در پول‌های کالایی و فلزی، خود پول نیز دارای ارزش ذاتی است؛ درحالی که در پول‌های اعتباری ارزش پول، ارزش اعتباری و

به اعتبار مقام ناشر پول است و دارای ارزش ذاتی معادل ارزش اسمی نیست. به همین جهت «پول حکمی» نامیده شده است. باوجود چنین تفاوتی، ماهیت پول به عنوان «ارزش مبادله‌ای محض»^۱ اشیا در تمامی سیستم‌های پولی حفظ شده است. هر چند مالیت پول در زمان سیطره سیستم‌های پول کالایی و فلزی، مالیت عینی بوده است، ولی درحال حاضر، مالیت اعتباری است؛ زیرا ارزش مبادله‌ای و فایده داشتن که منشأ مالیت اشیاست، منحصر به فایده فیزیکی نیست، بلکه اعتبار و قرارداد اجتماعی را نیز شامل می‌شود و منشأ مالیت قرار می‌گیرد.

کاهش ارزش پول در تمامی سیستم‌های پولی وجود داشته است و منحصر به سیستم پول اعتباری نیست. در سیستم پول کالایی، از یک سو، افزایش عرضه کالایی که نقش پول را در اقتصاد ایفا می‌کرد و از طرف دیگر، کاهش تقاضای آن کالا، هر دو زمینه‌ساز و علت کاهش ارزش پول کالایی بودند. در سیستم پول فلزی (دوفلزی، یک فلزی) نیز افزایش عرضه طلا یا نقره به دلیل کشف معدن طلا عامل کاهش ارزش پول بود.

بنابراین، پول واقعی (پول کالایی و فلزی) از نظر پول بودن با پول اعتباری تفاوتی ندارد؛ بلکه تفاوت آنها از جهت غیرپولی است. به عبارت دیگر پول واقعی با قطع نظر از پول بودن، ارزش مصرفی دارد، درحالی که ارزش مصرفی پول اعتباری همان ارزش مبادله‌ای آن است.

از سوی دیگر اگر پول اعتباری یک مال قیمی باشد، فروختن آن به نسیه به قیمت بیشتر مجاز خواهد بود، درحالی که این امر در مورد پول مجاز نیست و ربا محسوب می‌شود. از سوی دیگر، قرض‌گیرنده مال قیمی، قیمت هنگام قرض را به ذمه گرفته است، نه قیمت هنگام ادا و زمان پرداخت آن. از این رو نمی‌توان قرض‌گیرنده را مجبور کرد قیمت روز پرداخت را بپردازد. بنابراین همان‌طور که مشهور فقهاست، پول اعتباری مال مثلی است.

۱. Pure Exchange Value.

۴-۱- سوالات و فرضیه های تحقیق

۱-۴-۱- سوالات تحقیق

- ۱-۴-۱-۱- آیا در تورم‌های شدید که عرف عام (مردم) در قراردادهای مدت‌دار واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند، جبران کاهش ارزش پول از مصادیق ربا به شمار می‌رود؟
- ۱-۴-۱-۲- آیا در تورم‌های تخفیف که عرف عام واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان نمی‌دهد، جبران کاهش ارزش پول از مصادیق ربا و حرام است؟
- ۱-۴-۱-۳- آیا در تورم‌های متوسط که واکنش عرف عام تشخیص داده نمی‌شود، جبران کاهش ارزش پول جایز نیست و طریق احتیاط، مصالحه است؟

۲-۴-۱- فرضیه های تحقیق

- ۱-۴-۱-۱- به نظر می‌رسد در تورم‌های شدید که عرف عام (مردم) در قراردادهای مدت‌دار واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهند، جبران کاهش ارزش پول از مصادیق ربا به شمار نمی‌رود و لازم است.
- ۱-۴-۱-۲- به نظر می‌رسد در تورم‌های تخفیف که عرف عام واکنش قابل ملاحظه‌ای نشان نمی‌دهد، جبران کاهش ارزش پول از مصادیق ربا و حرام است.
- ۱-۴-۱-۳- به نظر می‌رسد در تورم‌های متوسط که واکنش عرف عام تشخیص داده نمی‌شود، جبران کاهش ارزش پول جایز نیست و طریق احتیاط، مصالحه است.